

## دلیل قرآنی ندارد

دکتر سید علی اصغر غروی



متنی که می‌خوانید مصاحبه خانم پروین بختیار نژاد با دکتر سید علی اصغر غروی در خصوص زمینه‌های قرآنی دو ماده ۲۲۰ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی است. اینکه پدر حق دارد فرزند خود را بکشد و مجازات نشود و یا مرد می‌تواند به دلیل سوء ظن به همسرش وی را بقتل برساند و مصون از مجازات باشد. این مصاحبه در کتاب «فاجعه خاموش»، تألیف خانم بختیار نژاد به چاپ رسیده است.

کلیدواژه‌ها: قتل - ناموس - زانی - رسول عقل - ظن فقیه

با دکتر غروی در خصوص زمینه‌های قرآنی دو ماده ۲۲۰ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بحث می‌کنم از وی می‌پرسم بر اساس کدام آیه و متن مذهبی مسلمانان، پدر حق دارد فرزند خود را بقتل برساند ولی مجازات نشود؟ بر اساس کدام حکم قرآنی مرد می‌تواند به دلیل سوء ظن به همسرش وی را بقتل برساند و مصون از مجازات باشد؟

دکتر غروی هم با طرح پرسشی سؤال مرا جواب می‌دهد، او می‌گوید:

اولاً در هیچ یک از آیات قرآن چنین اجازه‌ی به پدر داده نشده و دیگر آنکه اگر پدری به دلیل ناموسی حق دارد فرزند دختر خود را بکشد، چرا چنین حکمی در مورد فرزند پسری که امکان دارد او هم خانواده‌ی را بی‌حیثیت کند، اجراء نمی‌شود؟! این ماده قانونی هیچ مستند قرآنی ندارد، بلکه بر اساس روایت، چنین حکمی فقاهتی صادر شده و اینک نیز وارد قانون مجازات ما گردیده است.

همین طور وی در مورد ماده ۶۳۰ قانون مجازات می‌گوید:

در قرآن حکم زنی که با مرد دیگر رابطه دارد، (منظور رابطه جنسی که از طریق ۴ شاهد در حضور قاضی گزارش شود) ۱۰۰ ضربه شلاق است و این محاکمه و مجازات باید توسط قاضی در دادگاه انجام شود، نه در خانه و توسط شوهر. حتی قاضی نمی‌تواند بر اساس علم خود، چنین حکمی صادر کند، بلکه صرفاً باید بر اساس شهادت چهار شاهد باشد. همین طور در سوره نساء آیه ۱۵ در مورد زنانی که مرتکب فحشاء می‌شوند، می‌گوید: چهار نفر باید شهادت دهند، پس آنها را در خانه نگه دارید تا اینکه مرگ آنها فرا رسد، یا آنکه خدا برای آنها راهی مقرر سازد (یعنی ازدواج کنند).

دوباره سؤال را تکرار می‌کنم، پس چگونه این احکام به عنوان احکام اسلامی اجراء می‌شود؟ در اینجا دکتر غروی مرا به مطالعه کتاب «پیرامون ظن فقیه و کاربرد آن در فقه» دعوت می‌کند. این کتاب به قلم آیت الله سید محمد جواد موسوی غروی پدر ایشان است که دکتر علی اصغر غروی آن را ترجمه کرده است.



در اسرع وقت بخش‌هایی از این کتاب که به موضوع مورد تحقیق مربوط بود را مطالعه کردم. آیت الله غروی در بخش «عقل، حجت خدا بر خلق» می‌گوید:

«آنچه را عقل حکم کند، شرع نیز همان را حکم می‌کند و عقل اعتنائی به ظن ندارد. عقل در انسان پیامبری است در درون، همان گونه که رسول پیامبری است از برون. امتیاز انسان هم به عقل او است و اگر عقل نبود انسان به هیچ تکلیفی مکلف نمی‌گردید. به عقل، هم خدا شناخته می‌شود و هم رسول او، هم حق و باطل. عقل، شرعی است در وجود انسان، همان گونه که رسول عقلی منفصل از او است. پس آنچه را عقل سلیم تصدیق نماید، حق است و هر چه تکذیب کند، کذب است.»

ایشان همین طور در بخش کلام بحرانی در حجیت عقل می‌گویند:

هرگاه دلیل عقلی با دلیل نقلی تعارض پیدا کند، دلیل عقلی را مقدم داشته و بر آن اعتماد کرده‌اند و دلیل سمعی را نوعی تأویل کرده‌اند که با دلیل عقلی منطبق گردد و اگر تطبیق ننموده، به طور کلی کنار گذارده‌اند، در کتاب‌های استدلالی خود، در فروع فقهی، اول چیزی که استدلال را با آن شروع می‌کنند استناد به دلیل عقلی است. سپس دلیل سمعی را با پشتوانه دلیل عقلی می‌آورند.

وی در خصوص احادیث متناقض نیز در بخش «عرض حدیث بر قرآن» می‌گوید:

هرگاه دو حدیث مختلف به تو رسد، با کتاب خدا و احادیث ما قیاس کن یعنی بسنج، اگر مانند آن بود حق است و اگر مانند آن نبود باطل است!

ایشان در ادامه می‌افزاید:

«از سوی شما احادیث مختلفی به ما می‌رسد: هر چه از ما به تو رسد با کتاب خدای عزوجل و احادیث ما قیاس کن، اگر با آن دو شبیه بود، از جانب ماست و اگر نه از ما نیست»<sup>۱</sup>.

در ادامه احادیث دیگری نیز با همین مضمون در صفحات دیگر این بخش از کتاب ظن فقیه آورده شده مانند:

«هرگاه حدیثی از من برای شما گفته شد، شیواترین، آسان‌ترین، و معقول‌ترین آنها را از من بدانید، به شرط موافقت آن با کتاب؛ پس اگر با کتاب خدا موافق بود، من گفته‌ام و اگر با کتاب خدا موافق نبود، من نگفته‌ام»<sup>۲</sup>.

این بخش از کتاب پیرامون ظن فقیه، گفتار فراوانی از پیامبر را به میان آورده که هر حدیث و روایتی به تعبیر دکتر علی اصغر غروی باید دارای شاهد قرآنی باشد و گرنه آن حدیث قابل اعتناء نیست.

البته چگونگی پیروی فقهاء از روایات و احادیثی که موافقت با آیات قرآن ندارد در بخش «علل تبعیت اکثر امت از ظن فقهاء» به تفصیل توضیح داده شده که خوانندگان را به مطالعه آن دعوت می‌کنم. در پایان از دکتر علی اصغر غروی می‌پرسم، شما به عنوان یک قرآن پژوه، برای احکام «رجم»، مجاز بودن پدر به قتل کودک یا کشتن زنان، با شاهد قرآنی مواجه شده‌اید یا خیر؟ ایشان نیز با قاطعیت گفت:

«خیر، هیچ یک از این احکام شاهد قرآنی ندارد و حکمی که شاهد قرآنی نداشته باشد باید از دایره احکام خارج شود، همین».

۱ - کافی؛... باب الکتان

۲ - معالی صدوق.

۳ - صافی؛ مقدمه ۱۲، وسایل کتاب القضاء باب وجوه الجمیع بی الاحادیث المختلفه